

# اخلاق و شمایل نبوی<sup>(۱)</sup>

کلمه امام سید ابوالحسن علی حسینی ندوی

خدا، هیچ خدمتگزار و یازنی را ضرب و شتم نکرد. من ندیدم که آن حضرت صلی الله علیه وسلم ظلمی روا بدارد و یا از کسی انتقام بگیرد. البته هر گاه حدود الهی پایمال می شد، آن حضرت صلی الله علیه وسلم از هر کس دیگر بیشتر خشم می گرفت. وقتی در گزینش بین دو چیز اختیار داده می شد، آسان ترین آنها را اختیار می کرد. هر گاه وارد منزلش می شد، رفتار و سلوکش همانند عامه مردم بود؛ لباسهایش را تمیز می کرد، گوسفندش را می دوشید و کارهایش را با دست مبارکش انجام می داد. زبانش را جز به حق نمی گشود. مردم را با خود مأنوس می کرد و متنفر نمی ساخت. بزرگ هر گروهی را گرامی می داشت و او را بر آنان سرپرست قرار می داد. در برخورد با مردم، جانب احتیاط را رعایت می فرمود، بدون اینکه آنان را از خوشرویی و اخلاق زیبایش محروم کند.

همواره از احوال یارانش جويا می شد و از مردم درباره احوالشان پرس و جو می کرد. نیکویی را تقدیر و تأیید و زشتی را تخطیح می نمود. اساس کارش مبتنی بر اعتدال و میانه روی بود و از افراط و تفریط به دور بود. آن حضرت صلی الله علیه وسلم در هیچ موردی از موارد خیر، غفلت نمی کرد، تا مبادا مردم غافل شوند و احساس ملال نمایند. برای هر حالتی آمادگی داشت. در قبال حق کوتاهی نمی کرد، و نیز از حق تجاوز نمی نمود.

کسانی که به او نزدیک بودند، بهترین مردم به شمار می آمدند؛ و بهترین مردم نزد ایشان خیر خواه ترین آنها بود. برترین فرد از نظر منزلت نزد وی، کسی بود که بیش از دیگران غمخوار و همکار مردم باشد. آن حضرت صلی الله علیه وسلم بدون یاد الهی از جایش بر نمی خاست و نمی نشست. هر گاه به مجلس و نزد گروهی تشریف می برد، در انتهای مجلس می نشست، و دیگران را نیز به همین روش امر می فرمود.

در مجالس، رعایت حال همه را می کرد، به طوری که هیچ کس

هند بن ابی هاله<sup>(۲)</sup> که مردی و صاف<sup>(۳)</sup> بود، درباره رسول اکرم صلی الله علیه وسلم چنین گفته است: «آن حضرت صلی الله علیه وسلم همواره اندوهگین و اندیشمند بود، به نظر می رسید استراحتی ندارد. سکوتی ژرف داشت و جز در موارد لزوم سخن نمی گفت. سخنان او جامع همه معانی و تعیین کننده حق و باطل از یکدیگر بود، و هیچ کاستی و فزونی ای نداشت. تندخو نبود. هیچ کس را خوار نمی کرد. نعمت هر اندازه اندک بود آن را بزرگ می شمرد و از آن عیب نمی گرفت. هیچ غذا و خوردنی ای را نکوهش نمی کرد، و بیش از اندازه نیز ستایش نمی نمود. دنیا و امور وابسته به آن، او را به خشم نمی آورد. اگر کسی از حق تجاوز می کرد از پای نمی نشست تا - جانب - حق را یاری کند؛ و برای کارهای مربوط به خود خشمگین نمی شد. چون به چیزی اشاره می کرد با تمام کف دست خود اشاره می نمود. به هنگام شگفتی دست خود را بر می گرداند، و در آن حال اگر سخن می گفت انگشت ابهام دست چپ خود را در دست راست می گرفت. اگر گاهی خشمگین می شد کاملاً اعراض و روگردانی می کرد و هر گاه خشنود می شد چشم فرو می افکند و نگاهش را پایین می انداخت. خنده اش بیشتر به صورت لبخند بود و هر گاه لبخند می زد، دندان های پیشین آن حضرت همچون مروارید و دانه های تگرگ می درخشید».

سیدنا علی بن ابی طالب رضی الله عنه که از آگاه ترین افراد نسبت به او صاف و اخلاق رسول الله صلی الله علیه وسلم بود و بیش از هر کس با او معاشرت داشت و نیز در وصفش تواناتر از دیگران بود، در وصف رسول گرامی صلی الله علیه وسلم چنین می فرماید:

«آن حضرت صلی الله علیه وسلم از بدگویی و بی عفتی بسیار به دور بود. در بازار و مجامع و اماکن عمومی صدایش را بلند نمی کرد. بدی را با بدی پاسخ نمی داد، بلکه عفو و گذشت می نمود. با دست مبارکش احدی را مورد ضرب قرار نداد، مگر در میدان جهاد در راه

می شنید و به خواسته های آنان گوش فرا می داد؛ به همین خاطر اصحابش توجه چنین افرادی را به سوی خود جلب می کردند (تا موجب ناراحتی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نشود). به اصحاب می فرمود: «هرگاه نیازمندی را می بینید، نیاز او را بر آورید».

آن حضرت صلی الله علیه و سلم ستایش را از کسی می پذیرفت که در حد میانه روی باشد. سخن کسی را قطع نمی کرد، مگر این که از حد بگذرد. آنگاه یا او را نهی می کرد، یا از مجلس بر می خاست. آن حضرت صلی الله علیه و سلم بیش از هر کس سعه صدر داشت، و بیش از هر کس راستگو، خوش گفتار، نرم خو، مهربان و خوش معاشرت بود. کسی که برای اولین بار به زیارتش مشرف می شد، از وی احساس هیبت می نمود، و هر کس با او معاشرت می کرد، دلباخته و شیفته اش می گشت».

یکی از وصف کنندگان می گوید: «کسی را قبل از او و بعد از او، مثل او ندیده ام».

خداوند متعال پیامبرش را با زیبایی ها آراسته، و در وجود او از جانب خود، صفت محبت و هیبت نهاده بود.

هند بن ابی هاله در جای دیگر در وصفش چنین می گوید: «آن حضرت صلی الله علیه و سلم پیکر بزرگواری، و شکوه و جلال دل و دیده بود، و چهره مبارکش همانند ماه شب چهارده می درخشید».

براء بن عازب رضی الله عنه در وصف آن حضرت صلی الله علیه و سلم می فرماید: «آن حضرت صلی الله علیه و سلم قد و قامتی میانه داشت. من روزی در حالی ایشان را دیدم که لباس قرمز رنگی بر تن مبارک ایشان بود؛ از ایشان کسی را زیباتر ندیده ام!».

ابوهریره رضی الله عنه در وصفش می گوید: «آن حضرت صلی الله علیه و سلم قدی میانه اما مایل به بلندی داشت. رنگش سفید و موی محاسنش مشکی بود. لب هایش زیبا و مژگانش انبوه بود. میان شانه های مبارک نسبتاً فاصله بود. من همانند ایشان، نه قبل از ایشان و نه بعد از ایشان هرگز کسی را ندیده ام!».

انس رضی الله عنه می گوید: «من هیچ دیبا و ابریشمی را به نرمی دست آن حضرت صلی الله علیه و سلم ندیده ام و هیچ بویی را بهتر از بوی خوش آن حضرت صلی الله علیه و سلم استشمام نکرده ام».

#### پاورقی:

- ۱- برگرفته از کتاب نبی رحمت، تالیف امام سید ابوالحسن ندوی، ترجمه محمد قاسم بنی کمال (قاسمی).
- ۲- هند بن ابی هاله فرزند ام المومنین حضرت خدیجه رضی الله عنها از همسر سابق ایشان و دایی حضرت حسن و حسین رضی الله عنهما می باشد.
- ۳- وصف کننده و توصیف گر.

تصور نمی کرد که دیگران به نزد پیامبر از او گرامی تراند. چنانچه شخصی حاجت خود را بیان می کرد، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم با حوصله کامل به سخنش گوش می داد، تا اینکه خود آن شخص بلند می شد و می رفت. اگر کسی درخواست و حاجت مشروعی داشت، حتماً حاجت او را بر آورده می ساخت و اگر نمی توانست، با لحنی پسندیده از وی معذرت می خواست.

حسن اخلاق و گشاده رویی وی چنان بود که همه اصحاب، او را پدری مهربان برای خود می پنداشتند. همه اصحاب در برابر حق از نظر رسول اکرم صلی الله علیه و سلم یکسان بودند.

مجلس ایشان سرپایا حکمت، بردباری، حیا، عفت و امانت بود. صداها بیش از ضرورت در حضورش بلند نمی شد. معایب کسی مورد بحث قرار نمی گرفت. آبروی کسی ریخته نمی شد. نقطه ضعفها افشا نمی گشت. همه با هم برابر بودند. مدار فضیلت و برتری فقط بر تقوا و پرهیزگاری بود. در مجلس او سالخوردهگان را محترم می داشتند و بر خردسالان مهر می ورزیدند، و نسبت به نیازمندان ایثار می کردند و آدم غریبه و تازه وارد را اکرام کرده، رعایت حال وی را می نمودند».

سیدنا علی بن ابی طالب رضی الله عنه اضافه می کند:

«رسول اکرم صلی الله علیه و سلم همواره خنده رو، خوش اخلاق و نرم خو بود، نه ترش رو، سختگیر و تندخو. هیچگاه فریاد نمی زد و دشنام نمی داد. عیب کسی را آشکار نمی کرد. بخیل و تنگدل نبود. از آنچه به آن میل نداشت یاد نمی کرد، البته از آن بد هم نمی گفت و درباره آن، جواب هم نمی داد. از سه چیز به شدت پرهیز می نمود: جدال و ستیز، تکبر و کارهای بیهوده».

سه چیز را در حق مردم بسیار رعایت می فرمود: هیچ کس را سرزنش نمی کرد، بر کسی خرده نمی گرفت و در جستجوی معایب کسی نبود.

فقط در مواردی که امید ثواب و اجر بود، تذکر می داد و صحبت می کرد. هرگاه لب به سخن می گشود همشینیان او چنان سکوت می کردند که گویی پرنده ای بالای سرشان نشسته است. چون سکوت می فرمود، آنگاه اصحاب سخن می گفتند و هرگز در محضر رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نزاع و ستیز، به راه نمی انداختند. هر کس لب به سخن می گشود، بقیه به سوی او متوجه می شدند تا این که سخنش به پایان می رسید. سخن هر فرد نزد آن حضرت صلی الله علیه و سلم چنان مورد توجه قرار می گرفت که گویی اولین شخصی است که سخن می گوید.

اگر اصحاب می خندیدند، او نیز تبسم می فرمود. و اگر از چیزی تعجب می کردند، او هم اظهار تعجب می کرد.

افراد غریبه و بیگانه را به خوبی تحمل می کرد و سخنان شان را کاملاً